

دعای اسم اعظم

ماه مبارک رمضان همان طور که به ماه بهار قرآن معروف شده است، ماه بهار معنویت نیز هست. حال و هوای معنوی این ماه به همه برای تقویت انگیزه‌های معنوی کمک می کند.

اگر به منشأ این معنویتى که ماه مبارک زمینه‌ساز آن می‌شود دقت کنیم، آن را در چند عنصر مهم درمی‌یابیم؛ اول از همه توجه به قرآن، این کتاب نور و هدایت که برکات زیادی در هم‌نشینی با قرآن وجود دارد. موضوع مهم دیگری که در ماه مبارک رمضان وجود دارد که مورد تأکید علما و منبع فیض و معنویت است، سحر خیزی، ذکر، دعا و مناجات سحر است که حافظ می گوید: هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ/ از یمن دعای شب و ورد سحرى بود.

اما سحرهای ماه مبارک رمضان با همه سحرها فرق دارد، هم از جهت فضای معنوی ویژه و هم از جهت دعای مخصوصی که در سحرهای این ماه بزرگ خوانده می‌شود. دعای بزرگی که بیشتر ما توجه لازم را به آن نداریم، دعایی که از ادعیه بزرگ، عجیب و بسیار غنی شیعه است که بزرگان بر آن شرح‌نوشته‌اند و درباره فضایل آن سخن‌رانده‌اند. حضرت رضا^(ع) ویژگی‌های زیر را درباره دعای سحر از پدرشان از امام باقر^(ع) نقل می‌فرمایند: بزرگی و عظمت درخواست‌های این دعا در درگاه حق تعالی، سرعت اجابت برای دعاکننده، وجود اسم اعظم در این دعا، دعای سحر از مکنون علم حق تعالی است، سفارش به حفظ این دعا از دسترسی ناهلان. حضرت باقر^(ع) در آخر کلام خویش این دعا را، دعای «مباهله» می‌خوانند. درواقع این دعایی که بیشتر ما توجه چندانی به آن نکرده‌ایم، اسرار توحیدی زیادی را دربردارد.

حضرت امام خمینی^(ره) در ایام جوانی کتابی در شرح این دعا نوشته‌اند. ایشان در مقدمه این کتاب درباره این دعای شریف می‌فرمایند: دعاهایی که از خزاین وحی، شریعت، جاملان علم و حکمت به ما رسیده از بزرگ‌ترین نعمت‌های خداوند بر بندگان و از جمله رحمت واسعه او بر شهرها و دیارهاست، زیرا این دعاها پیوند معنوی میان خالق و مخلوق، رشته میان عاشق و معشوق، وسیله ورود به دژ محکم خداوند و عامل تمسک به عروه الوثقی و حبل المتین‌اند.

اما روشن است که رسیدن به این غرض نهایی و مقصد والا جز به قدر توان آدمی در توجه به معنای ادعیه و قدرت او در فهم اسرار و حقیقت آن‌ها ممکن نیست. در این میان، من دعای مشهور مباهله را که از ائمه اطهار^(ع)، به منظور توسل به حضرت نورالانوار در سحرگاهان به ما رسیده از دعاهایی یافتم که قدرش بسی جلیل و منزلتش بسی رفیع است، زیرا مشتمل بر صفات حسنیای الهی و امثال علیای ربوبی است و اسم اعظم و تجلی اتم اقدم پروردگار در آن آمده است، ازاین‌رو خواستم آن را از بعضی جهات، با توانی اندک و دانشی ناچیز، به مقدار استعداد خویش شرح دهم. ان‌شاء... خدای تعالی به برکت این ایام به ما توفیق دهد که توجه بیشتری به این دعای عزیز کنیم و از گنج بی‌انتهای آن بهره ببریم.

۲۳فرز کوتاه، ولی پرمتحوی دعای سحر باعبارت «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ» شروع می‌شود و از خداوند به حق زیبایی، جمال، جلال، عظمت، نور، رحمت، سخنان، کمال، اسما، عزّت، مشیّت، قدرت، علم، قول، خواسته‌ها، مراتب شرف، سلطنت، فرمانروایی، مقام بلند، احسان قدیم، آیات و شان و جبروت او درخواست می‌کند و سپس می‌گوید: پروردگارا، از تو درخواست می‌کنم به آنچه هرگاه از تو به آن طلب کنم اجابتم می‌کنی، پس ای خدا، اجابتم کن و در پایان دعا آمده است: آنگاه هر حاجتی داری از خدا بخواه که به‌یقین برآورده خواهد شد. فرصت ماه مبارک رمضان بهترین فرصت برای آشتی با خداوند و ارتباط برقرار کردن با اوست و این دعای عرشی با مضمون توحیدی و یادآوری اسما و صفات الهی، می‌خواهد ما را برای طی کردن این مسیر و رسیدن به مطلوب یاری کند.

بهرس و بدان

احکام روزه مسافر

در این ستون به پرسش‌های شما در باره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید با ارسال پیامک پرسش‌های خود را به شماره ۰۷۲۸۹۳۰۰ یا ما در میان گذارید.

● مسافر کیست و در هنگام سفر چگونه باید روزه خود را به‌جای آوریم؟ به‌ویژه در روزی که سفر را آغاز می‌کنیم و روزی که به شهر خود بازمی‌گردیم.
شخص مسافر بنا بر نظر مرجع تقلید خود می‌تواند برای سفرش برنامه‌ریزی کند و قضای آن را بعد از برگشت به وطن و شهر خود به‌جای آورد.

● مسافر کیست؟
● پاسخ اجمالی:

اگر سفر شخصی در ماه مبارک از شرایط زیر برخوردار باشد از نظر شرع، آن شخص مسافر بوده و احکام جاری بر اعمال او احکام مسافر است.
۱: مجموع مسافت رفت‌و برگشت نباید کمتر از هشت‌فرخ، یعنی ۴۳ کیلومتر باشد، به‌عبارت‌دیگر فاصله مبدأ و مقصد حداقل باید ۲۱ و نیم کیلومتر باشد. (حد ترخص)

۲: قبل از اینکه سفر شروع شود قصد پیمودن حداقل هشت‌فرخ را داشته‌باشد.
۳: قبل از خارج شدن از حد ترخص از تصمیم پیمودن هشت‌فرخ پشیمان نشود.
۴: سفرش در اثنا پیمودن مسافت شرعی، با رسیدن به وطن یا مکانی که قصد اقامت ۱۰ روز در آنجا را دارد، قطع نشود.
۵: سفر، مشکلات شرعی از جمله قصد برای انجام کار حرام را دارا نباشد.
۶: مسافر به‌طور کلی در سفر نباشد مثل: عشا پر ...
۷: شغل مسافر سفر کردن نباشد مثل: رانندگان بین‌شهری یا شغل وی در شهر دیگری قرار نداشته‌باشد.
۸: حد ترخص را رد کند، یعنی از وطن یا جایی که قصد اقامت ۱۰ روز یا بیشتر را دارد به اندازه‌ای دور شود که صدای اذان شهر را نشنود و دیوارهای شهر را نبیند.

● روزه‌داری در سفر
● پاسخ اجمالی:

مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد، ولی برای فرار از روزه، مسافرت مکروه است. همچنین است مطلق سفر در ماه رمضان، مگر اینکه برای حج یا عمره یا به‌دلیل ضرورتی باشد.
مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر دو رکعت بخواند، نباید روزه بگیرد و مسافری که نمازش را تمام می‌خواند، مثل کسی که شغلش مسافرت یا سفر او سفر معصیت است، باید در سفر روزه بگیرد.
اگر غیر روزه رمضان، روزه معین دیگری بر انسان واجب باشد، بنا بر احتیاط واجب نباید در آن روز مسافرت کند و اگر در سفر باشد، باید قصد کند که ۱۰ روز در جایی بماند و آن روز را روزه بگیرد، ولی اگر نذر کرده باشد روز معینی را روزه بگیرد، می‌تواند در آن روز مسافرت کند.
کسی که نمی‌داند روزه مسافر باطل است، اگر در سفر روزه بگیرد و در بین روز مسئله را بفهمد، روزه‌اش باطل می‌شود و اگر تا مغرب نفهمد، روزه‌اش صحیح است. اگر فراموش کند که مسافر است یا فراموش کند که روزه مسافر باطل است و در سفر روزه بگیرد، روزه‌اش باطل است.
اگر روزه‌دار بعد از ظهر مسافرت کند، باید روزه خود را تمام کند و اگر پیش از ظهر مسافرت کند، وقتی به حد ترخص برسد، یعنی به جایی برسد که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان آن را نشنود، باید روزه خود را باطل کند و اگر پیش از آن روزه را باطل کند، بنا بر احتیاط کفار نیز بر او واجب است.
اگر مسافری قبل از ظهر به وطن یا محلی که می‌خواهد ۱۰ روز در آنجا بماند رسید، باید آن روز را روزه بگیرد، البته اگر قبل از آن عملی که مبطل روزه است، از وی سر نزنده باشد. اما اگر قبل از رسیدن به مقصد، کاری که روزه را باطل می‌کند (از قبیل خوردن، آشامیدن و...) از او صادر شده باشد، دیگر نمی‌تواند آن روز را روزه بگیرد، بلکه باید بعد از ماه مبارک، آن را قضا کند.

شهریار

شهریار
شنبه
۱۳۰۴
۱۳۴۴
شماره ۳۱۰

۱۴



شهریار

رمضان است و انس با قرآن

جستاری درباره تعیین سرنوشت انسان در ماه مبارک رمضان

آمنه‌مستقیم! ماه مبارک رمضان فرصت منحصر به‌فردی برای تعیین و تغییر سونوشت انسان است. همچنان که یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی که همیشه تاریخ ذهن بشر را به خود مشغول ساخته است مسئله سرنوشت و عوامل مؤثر بر آن است. اینکه سرنوشت و تقدیر آدمی تعیین شده و تغییرناپذیر است یا راه برای ساخت سرنوشت و رقم‌زدن تقدیری که مطلوب انسان است وجود دارد و می‌توان مختارانه در این باره عمل کرد؟! آموزه‌های دین در این‌باره تصریحات روشن و شفافی دارند که مرور آن‌ها در ماه مبارک رمضان ما را در یافتن پاسخ سوالاتی از این دست کمک می‌کند و یادمان می‌دهد چطور به تقدیری که دلخواه‌مان است، دست یابیم.

سرنوشت

در باره سرنوشت آدمی دو تفسیر وجود دارد؛ یکی آنکه سرنوشت هر فردی از روز نخست، بدون اطلاع و حضورش از طرف خداوند تعیین شده و قابل دگرگونی نیست. بنا بر این نظر، هر انسان نصیب و قسمتی دارد که ناچار باید به آن تن دهد و کوشش برای تغییر سرنوشت بیهوده است. بنا بر این انسان موجودی مجبور و بی‌اختیار است! بنا بر آموزه‌ها و منابع دینی این تفسیر مورد تأیید اسلام نیست و پذیرش و باور به آن، تمام مفاهیم مسلم اسلامی همچون تکلیف، جهاد، سعی و کوشش، استقامت و... را زیر سؤال می‌برد؛ استاد شهید مطهری می‌گوید: «اگر مقصود از سرنوشت و قضا و قدر الهی، انکار اسباب و مسببات و از آن جمله قوه، نیرو، اراده و اختیار بشر است، چنین قضا و قدر و سرنوشتی وجود ندارد و نمی‌تواند وجود داشته باشد.»

(مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱، ص: ۲۸۴)

سرنوشت آدمی در لسان قرآن

خدای متعال در برخی آیات قرآن بر نقش آدمی در تغییر سرنوشت و تقدیر خود به‌صراحت تأکید دارد، برای مثال در آیه ۱۱ سوره مبارکه رعد می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا يُقُومُ حَتَّىٰ يَغْيِّرُوا مَا بَأْنُسُهِمْ، خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملّتی) را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند.» امام باقر^(ع) درباره این آیه می‌فرمایند: «خداوند نعمتی را که به بنده‌اش می‌دهد، از او نمی‌گیرد تا این بنده مرتکب گناه و سبب سلب نعمت شود.»

(نورالقلین ج ۲، ص: ۱۶۲)

تقدیر در آینه روایات

آموزه‌های نورانی اهل بیت^(ع) بر این حقیقت دلالت دارند که امکان پدید آمدن تغییر در قضا و قدر غیر حتمی الهی وجود دارد. امام صادق^(ع) در تبیین اثرات دعا، در توصیه به یکی از شاگردان خود می‌فرماید: «دعا قضای الهی را برمی‌گرداند اگر چه قضای الهی محکم شده باشد، از این‌رو زیاد دعا کن که آن کلید هر رحمت و برآوردن هر حاجت است.» (الکافی، ج ۲، ص: ۴۷۰). پیامبر اکرم^(ص) نیز درباره تأثیر صدقه در زندگی انسان می‌فرماید: «صدقه، مرگ بد را از انسان دفع می‌کند.» (کافی، ج ۴، ص: ۵). علاوه بر این، در روایت دیگری از امام صادق^(ع) درباره تأثیر صله رحم در سرنوشت آدمی، می‌خوانیم: «صله رحم اعمال را پاک می‌کند، بلا را دفع می‌کند، اموال را افزایش می‌دهد، بر طول عمر می‌افزاید و رزق را توسعه می‌دهد.» (الکافی، ج ۳، ص: ۱۵۲).

رابطه تقدیر و شب قدر

تقدیر الهی در شب قدر بر طبق شایستگی افراد و اعمال‌شان تعیین می‌شود. یعنی برای هر شخصی آن چیزی را مقدر می‌کنند که شایسته آن است، یا به تعبیری دیگر، زمینه‌هایش از ناحیه خود او فراهم شده است و این نه‌تنها منافاتی با اختیار ندارد، بلکه تأکیدی بر آن است.

(تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص: ۱۸۷)

خداوند بر اساس نظام سراسر حکمت هستی، مقدر کرده بین پدیده‌های جهان روابطی خاص برقرار است؛ برای مثال می‌بینیم خوردن برخی غذاها بر تقویت حافظه مؤثر است. اعمال و کردار اختیاری انسان نیز از این قاعده مستثنا نیست و بین عمل و نتیجه آن رابطه مستقیمی وجود دارد. در شب قدر خداوند متعال رفتارهای برآمده از اختیار انسان را می‌سجد و تقدیرشان را بر اساس قالبی تعیین می‌کند. بنا بر این، بین تقدیر الهی و اختیار انسان، هیچ منافاتی وجود ندارد؛ زیرا در سلسله علل و شرایط مؤثر در سرنوشت انسان، اراده او یکی از علل و اسباب است. بنا بر این می‌گوییم: آنچه در شب قدر مقدر می‌شود به معنای سلب اختیار از آدمی نیست.

ما معتقدیم که حوادث و وقایع ریزودرشت زندگی هر فرد توسط خداوند از قبل تقدیر می‌شود و این امور در دو لوح به نام «لوح محو و اثبات»، و «لوح محفوظ، ثبت و ضبط است، اما این به‌معنای غیر قابل تغییر و تبدیل بودن این امور نیست. مرحوم علامه مجلسی درباره این دو لوح می‌فرماید: «آیات و اخبار دلالت دارند که همه حوادث و وقایع عالم در دو لوح ثبت است؛ یکی لوح محفوظ که هیچ گونه تغییر در آن راه ندارد و مطابق علم خداوند است. دیگری لوح محو و اثبات که در آن چیزی ثبت می‌شود و سپس به‌دلیل مصالح بسیاری که بر خردمندان پنهان نیست، چیز دیگری برخلاف آن به ثبت می‌رسد، مثلاً در آن نوشته است: عمر فلانی پنجاه سال است، بدین معنا که مقتضای حکمت پروردگار آن است که اگر کاری انجام ندهد که موجب کوتاهی یا طولانی شدن عمرش شود، پنجاه سال عمر می‌کند.»

(مجلسی، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۲، ج ۴، ص: ۱۳۰)

از نظر قرآن و عقل، انسان سرنوشت خود را با دست خویش تعیین می‌کند. این مطلب با علم خدا به اینکه عاقبت انسان چگونه خواهد شد، در تضاد نیست، زیرا خدا می‌داند انسان با اختیار خود چه کارهایی را انجام می‌دهد و چه کارهایی را ترک می‌کند. یعنی خداوند از پیش (ازل) می‌داند انسان با اختیار خود کار خاصی را انجام می‌دهد، یا آن را با اختیار خود ترک می‌کند. این علم تأثیری در معلوم (کار انسان) ندارد، یعنی این گونه نیست که بگوییم؛ چون خدا می‌داند انسان در فلان روز نماز می‌خواند، نماز خواندن از روی اجبار باشد!